

# شبه‌هیچکس

**به بهانه تولد فریدون جیرانی و نیما جاویدی، فیلم‌سازان مشهدی برآمده از ۲ نسل مختلف سینما**

محمد عنبرسوز



ایران اضافه و ظرفیتی از گل‌های ناشکفته هنر مقيم را برملا کرده‌اند که تا همیشه در خاطر دوستداران این رسانه باقی خواهد ماند. فریدون جیرانی و نیما جاویدی، بیشتر از آنکه به واسطه کارهای خارق‌العاده و فیلم‌های جاودانه خود در سینمای ایران ماندگار باشند، به خاطر اثر انگشتشان پای چند فیلم و سریال بی‌ادعاست که توانسته‌اند به قلب‌ها راه باز کنند. این دو فیلم‌ساز ادای کسی را در نمی‌آورند و به اینکه «خودشان هستند، می‌بالند. همین صداقت است که بیننده‌ها را به تماشای آثار این دو نفر ترغیب می‌کند و باعث می‌شود چیزی از جنس نگاه شخصی در فیلم‌هایشان جاری باشد.

## دایره‌المعارف سینما

فریدون جیرانی را باید در بستر شخصیتش مورد ارزیابی قرار دهیم، مردی که بیشتر از آن‌که یک فیلم‌ساز برجسته باشد، یک انسان دوست‌داشتنی و گرم است. جیرانی سابقه‌ای طولانی در سینمای ایران دارد و بیشتر از چهل سال است که خوی معتدل و آرامش رفتارش را حفظ کرده است. پیشینه‌اش به عنوان یک شخصیت رسانه‌ای، به او کمک کرد تا در اجرای برنامه سینمایی «هفت» توفیق‌یابد و هنوز هم بسیاری معتقدند که درخشان‌ترین دوران مهم‌ترین برند سینمایی تلویزیون با حضور مدرسو گرم‌چشیده خراسانی رقم خورده است.

اودر سینماهم‌نان آگاهی اجتماعی حیرت‌انگیزش را خورده‌است و به‌طور مشخص در اواخر دههٔ ۷۰ و اوایل دههٔ ۸۰ با پرداختن به عشق‌های نامتعارف و جنون‌آمیز که رگه‌های روشنی از سایکودرام در آن‌ها مشهود بود، از خودش نقشی ماندگار به‌عنوان یک فیلم‌ساز پیشرو که می‌تواند منویات نسل بعدی مخاطبان را حدس بزند، بر جای گذاشت. اوج کارنامه جیرانی به فیلم‌تکرارنشدنی «فرمز» بازمی‌گردد، جایی که هنر آقای کارگردان بر درک عمیقش از جامعه منطبق شد و شاهکار خلق کرد. فیلم پر سروصدا جیرانی حاصل آگاهی دقیق او از جامعهٔ اواخر دههٔ ۷۰ بود و «فرمز» سیمرغ بلورین بهترین بازیگر را برای هر دو هنرپیشه نقش اولش به ارمغان آورد. این موضوع، تسلط جیرانی بر بازی گرفتن از دو ستاره آن روزهای سینمای ایران را نشان می‌داد؛ همان‌طور که چندسال بعد، بازی گرفتنش از محمدرضا گلزار در «شام آخر» ثابت کرد که جای جیرانی جقدر روی صندلی کارگردانی محکم است.

اما جیرانی در سال‌های اخیر، وضعیت عجیبی را به عنوان یک کارگردان باسابقه و کاربلد تجربه کرده است. او از ابتدای دهه نود، وارد سال‌های پرنوسانی در کارنامه هنری خود شده و از مجموع سه فیلم سینمایی بلند، یک سریال تلویزیونی و یک سریال نمایش خانگی که ساخته، هیچ کدام نتوانسته‌اند شوری در بین مخاطبان به پا کنند. سه گانه ناتمام «خفگی»، «آشفگی» و «وابستگی» یا شاید «افسردگی» (سومی هیچ وقت ساخته نشد و فقط در حد گمانه‌زنی باقی‌ماند) که با الهام از سینمای نوار فرانسه ساخته شده بود، با واکنش منفی تماشاگران همراه شد. «تعبیر وارونه

# بی‌پناهانِ از یادرفته

**نگاهی به فیلم مستند «هیچ کس منتظرت نیست»، ساخته محسن اسلام‌زاده**

عزیزا... حاجی مشهدی

**نویسنده و منتقد سینما**



فیلم مستند «هیچ کس منتظرت نیست»، ساخته محسن اسلام‌زاده، را باید در درده مستندهای اجتماعی جای داد. در اغلب مستندهای اجتماعی، مستندساز بی آنکه خود بخواند ناآگاهانه به سمت و سویی کشیده می‌شود که فیلم او به دلیل انتخاب یک موضوع اجتماعی با درون مایه‌ای که تلخی‌های فراوانی در مضمون اثر یافت می‌شود، به‌سادگی به‌سیاه‌نمایی متهم‌می‌شود؛ تناقض آشکاری که به جای اقناع مخاطبان چنین نگاهی، مسئولان و متولیان امور اجتماعی را زیر سؤال می‌برد. به‌همین روی، در مستند «هیچ کس منتظرت نیست»، به دلیل نوع روایت و ساختار هوشمندانه اثر، فیلم‌ساز به سیاه‌نمایی متهم نمی‌شود. به‌ویژه‌که برخلاف نام و عنوان فیلم، در عمل آنچه در فیلم رخ می‌دهد، بر این باور تکیه و تأکید می‌کند که جمع پرهمر و بی‌بدیل خانواده-در هر جایگاه اجتماعی و طبقاتی که باشد- آن چنان پُر جاذبه و محیطی گرم و دوست‌داشتنی است که حتی برای آدم‌هایی که در اوج آلودگی‌هایشان به انواع مواد مخدر، بازمه پناهگاه‌های مطمئن و دوست‌داشتنی به حساب می‌آید، فصل پایانی این مستند با کارکرد درست و سنجیده‌ای در حد یک فیلم داستانی ملودرام، اشک شوق در چشمان بیننده فیلم می‌نشانند و به آدم‌های کارتن خواب فراموش شده نیز می‌گوید

در تقویم سینمای ایران، آخرین ماه از سال، ماه تولد دو فیلم‌ساز مهم از دو نسل متفاوت است که دست‌بر قضا هر دو از خطه خراسان سر برآورده‌اند. فریدون جیرانی از نسل فیلم‌سازان نوگرای پس از انقلاب اسلامی در ایران به شمار می‌رود و نیما جاویدی جزو استعدادهای سال‌های اخیر سینماست که پرده نقره‌ای را با الگوهای خاص خودش می‌فهمد. تطبیق دادن جیرانی و جاویدی، به واسطه مشهدی بودن، رفتاری حرفه‌ای نیست اما بی‌تردید، منحصر به‌فرد بودن، ویژگی هر دوی این کارگردان‌های خوش ذوق است. از دو فیلم‌سازی حرف می‌زنیم که شاید هیچ‌وقت، شماره یک، یا «پرطرف‌دارترین»، نباشند، جوایز بین‌المللی تراز اول را به کلکسیون افتخارات سینمای ایران اضافه نکنند و حتی گاهی هم، در مسیر پر فراز و نشیب فیلم‌سازی‌شان قرار گیرند، اما هر دو، لحنی تازه به بخشی از بدنه سینمای جاودانه خود در سینمای ایران ماندگار باشند، به خاطر اثر انگشتشان پای چند فیلم و سریال بی‌ادعاست که توانسته‌اند به قلب‌ها راه باز کنند. این دو فیلم‌ساز ادای کسی را در نمی‌آورند و به اینکه «خودشان هستند، می‌بالند. همین صداقت است که بیننده‌ها را به تماشای آثار این دو نفر ترغیب می‌کند و باعث می‌شود چیزی از جنس نگاه شخصی در فیلم‌هایشان جاری باشد.

که می‌توانیم از کارنامه کاری فیلم‌ساز جوان مشهدی ارائه دهیم، کسی که در قید و بند مضامین نیست، اما ساده‌ترین موضوعات را چنان دقیق و خط‌کشی‌شده به فیلم تبدیل می‌کند که بیننده با آن همراه می‌شود.

«مبلورن» را یک تجربه گذرا حساب کنید. پس از آن اما، در نگاهی کلی، «سرخپوست»، اثری درباره فرار یک زندانی است. فیلم نامه «خورشید» (به کارگردانی مجید مجیدی و نویسندگی نیما جاویدی) با ساده‌ترین قصه ممکن درباره گروهی از کودکان کار نوشته شده و «آکتور»، ماجرای درگیری‌های اجتماعی و اقتصادی دو جوان عشق‌بازنگری در جامعه‌امروز ایران است.

هیچ کدام از این موضوعات نمی‌توانند آن‌قدر خاص و بی‌همتا باشند که مردم برای تماشایشان سرودست بشکنند. اما همین قصه‌های ساده اگر توسط نیما جاویدی و پر مبنای وسواس و دقت‌نظری که‌شاخصه اصلی کارنامه اوست، به سینما تبدیل شوند، می‌توانند آثاری درجه یک را به وجود آورند.

دقت مهم‌ترین عنصر کارنامه جاویدی است که این روزها «آکتور»، را به محصولی پرمخاطب در شبکه نمایش خانگی تبدیل کرده است. از سریالی حرف می‌زنیم که صحنه‌های هراس‌انگیز یا موقعیت‌های ملودرام‌پراحساسی ندارد، اما به قدری دقیق ساخته شده که پلان‌های جذابش بیننده را به دنبال خود می‌کشند. تعلیق دیگر مؤلفه اثرگذار در کارنامه جاویدی است. او می‌تواند، باتسلط شایان توجهش بر ساختار فیلم‌نامه و شناخت مناسبات از جایگاه دوربین، از ساده‌ترین موقعیت‌ها تعلیق دربیآورد، بدون اینکه تمعدا بخشی از واقعیت را

پنهان کند یا بخواهد با لطایف‌الحیل سینمایی به مخاطب رودست بزند. به نظر می‌رسد که با فرض ادامه روند رو به رشد کارنامه این فیلم‌ساز جوان، می‌توانیم انتظار داشته باشیم در آینده‌ای نسبتاً دور، آثار جاویدی، از منظر تکنیکی و پایبندی به قواعد سینما، به یک کلاس آموزشی برای سینمای ایران تبدیل شوند.

هیچ کدام از این موضوعات نمی‌توانند آن‌قدر خاص و بی‌همتا باشند که مردم برای تماشایشان سرودست بشکنند. اما همین قصه‌های ساده اگر توسط نیما جاویدی و پر مبنای وسواس و دقت‌نظری که‌شاخصه اصلی کارنامه اوست، به سینما تبدیل شوند، می‌توانند آثاری درجه یک را به وجود آورند.



درخشان‌ترین فصل‌های فیلم، بخش پایانی این مستند شبه‌داستانی است که بازحمت‌زادی، به‌کمک امکانات فضای مجازی، ترتیب دیدار غیرمنتظره مونا و پسرش (محسن) داده می‌شود، پسری که مادرش نزدیک به ۲۸ سال از او بی‌خبر مانده بود. فضای تراژیک و اشک‌انگیز چنین دیداری که در عین دل‌شادی مونا به وجود می‌آید، درست شبیه رقص و پایکوبی زنان آسیب‌دیده با ترانه «ای شاخ تر به رقص آی» به صدای محسن چاووشی یا شادی‌های بسیار کلیشه‌ای معنادان در فصل جشن تحویل سال نواست. آمیزه‌ای روشن از اشک و لبخند و تلخی‌های ریشه‌دار و شادی‌های زودگذر.

محسن اسلام‌زاده در مقام کارگردان اثر در حد توانش تلاش کرده‌است تا کاری تأثیرگذار هم‌راه‌سازد. همراهی و همدلی مخاطبان چنین مستندی، به روشنی نشان می‌دهد که فیلم با مخاطبانش به‌خوبی ارتباط برقرار می‌کند، به‌ویژه‌که در تدوین و موسیقی خاصی که متناسب با فضای کلی فیلم ساخته شده است، خلاقیت‌ها و نوآوری‌های آشکاری دیده می‌شود. شاید یکی از شکل‌های متفاوت برخورد با زنان آسیب‌دیده‌ای که در این مستند می‌بینیم، شنیدن بی‌واسطه سرگذشت و تلخی‌های زندگی‌هریک از آنان، از زبان خودشان بود که گاه‌می‌توانند درجه‌ان‌رگذاری چنین آثاری را بالاتر ببرند، با این‌همه وقتی کارگردانی درطراحی شیوه روایی فیلم خود، می‌کوشد تا از کلیشه‌های رایج دور شود، باید به نوع نگاه او در انتخاب چنین روشی احترام گذاشت.



**رئیس حوزه هنری خراسان رضوی در گفت‌وگو با شهر آرام طرح کرد حمایت ۴۲۰ میلیون تومانی برای ساخت فیلم‌های صدتایی‌ای**



شکیبا افخمی‌راد

فیلم‌سازی یکی از رشته‌های هنری است که همواره با چالش‌های زیادی در شهر مشهد روبه‌رو بوده و شاید نسبت به سایر رشته‌های هنری کمتر مورد توجه قرار گرفته است، اما چندی

است حوزه هنری خراسان رضوی با راه‌اندازی باشگاه فیلم‌رویش تلاش کرده است خلأهای موجود در این رشته را تا حدودی برطرف کند. مجید عسکری، رئیس حوزه هنری خراسان رضوی، با اشاره به فعال بودن این نهاد در عرصه‌های مختلف هنری درباره راه‌اندازی باشگاه فیلم‌رویش به شهرآرا توضیح می‌دهد: فیلم‌سازی هنر گرانی است و بودجه زیادی می‌طلبد، اما به عرصه‌های دیگر هنری با هزینه‌های کمتری می‌توان ورود پیدا کرد، با وجود این با پیگیری‌هایی که انجام دادیم و مشارکت‌هایی که جلب کردیم، توانستیم باشگاه فیلم‌رویش را راه‌اندازی و رویداد سینما حماسه را برگزار کنیم و همچنین تولیداتی برای جشنواره فیلم صد انجام دهیم.

او خاطرنشان می‌کند: باشگاه فیلم‌رویش قصد دارد استعداد‌های جوان را در فضای فیلم‌سازی خراسان رضوی شناسایی و به آن‌ها کمک کند تا پا در عرصه فیلم‌سازی حرفه‌ای بگذارند. همچنین در این باشگاه به دنبال شکل‌گیری فیلم‌نامه‌های خوب برای تولید هستیم. رئیس حوزه هنری خراسان رضوی ادامه می‌دهد: علاوه بر این در تلاشیم با برگزاری جلسات و پاتوق‌های نقد و بررسی برای فیلم‌ها، فضای کلی فیلم‌سازی استان را تحت تأثیر قرار دهیم. عسکری درباره تولیدات حوزه هنری برای جشنواره فیلم صد نیز بیان می‌کند: جشنواره فیلم صد یکی از رویدادهای فیلم‌سازان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی کشور محسوب می‌شود که سابقه حضور هموار کردن زمینه‌رود علاقه‌مندان به عرصه فیلم‌سازی است. در واقع جشنواره فیلم صد پایه‌ای برای ورود و رشد فیلم‌سازان است. او یادآور می‌شود: ما امسال با حمایت‌هایی که از سوی حوزه هنری کشور صورت گرفت برای تولید فیلم‌های صدتایی‌ای پیش قدم شدیم تا بتوانیم نسل جدیدی از فیلم‌سازان را شناسایی کنیم. فیلم‌سازی که هم از لحاظ فنی قوی هستند و هم از لحاظ محتوایی توان فهم مباحث اصلی انقلاب اسلامی، معارف دینی و مباحثی مثل هویت مشهد را دارند.

رئیس حوزه هنری خراسان رضوی با اشاره به انتشار فراخوانی برای دریافت طرح‌های مرتبط با موضوع جشنواره می‌گوید: طرح‌هایی که به‌دستمان رسید در واحدهنرهای تصویری حوزه هنری استان بررسی و در مجموع چهارده طرح برای ساخت انتخاب شد که از میان آن‌ها دوازده اثر به جشنواره فیلم صد راه پیدا کرد. به این ترتیب می‌توان گفت که خراسان رضوی از نظر کمیت در جشنواره فیلم صد بهترین استان بوده‌است.

او ادامه می‌دهد: این حمایت‌ها باعث شد فضای فیلم‌سازی مشهد رو به جلو حرکت کند و دوباره استعداد‌های جوان به شکل‌گیری بدنه فیلم‌سازی خوش بین شوند.

به‌گفته عسکری حوزه هنری استان مبلغ ۴۲۰ میلیون تومان برای حمایت از چهارده فیلم صدتایی‌ای هزینه کرده‌است.



**درخشش مشهدی‌ها در جشنواره تئاتر رضوی**



امام رضا<sup>ع</sup>، در این مراسم گفت: «بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی بنیاد علی‌بن موسی الرضا<sup>ع</sup> در سراسر کشور برگزار می‌شود که آغازگر جشنواره‌های این مجموعه جشنواره ملی تئاتر کودک و نوجوان و نمایش عروسکی رضوی در هر‌م‌زگان بود.»

سعیدی زاده افزود: «ما به‌واسطه هنر و تکنیک تئاتر با مضامین خوب می‌توانیم خیلی به گسترش فرهنگ رضوی و دینی کمک و خلأ موجود در مضامین متون نمایشی و نمایشنامه‌نویسی تئاتر کشور را پر کنیم و باعث گسترش جریان فرهنگ رضوی در کشور شویم.» در این قسمت از برنامه، رونمایی از هشت جلد کتاب نمایشنامه با موضوع امام رضا<sup>ع</sup> از هشت نمایشنامه‌نویس برجسته کشوری با حضور مسئولان استانی و کشوری انجام شد. در این مراسم لوح تقدیر و جایزه نقدی به طراح لباس نمایش «دیواکولا»، زینب رشتی، اهدا شد. همچنین هیئت‌داوران در بخش طراحی صحنه با اهدای لوح تقدیر و جایزه نقدی از طراح صحنه نمایش «سومین روز تابستان»، مهدی شریفی، تقدیر به عمل آورد. هیئت‌داوران با اهدای لوح و هدیه نقدی از نمایش «دیواکولا» آن‌اهیتا موسوی تقدیر به‌عمل آورد. در این مراسم از سحر حسن‌زاده، بازیگر نمایش «پروانه باش»، تقدیر شد. در بخش بازیگری مرد از محمد تنزیل نژاد، بازیگر «دیواکولا»، تقدیر به عمل آمد و تندیس جشنواره و دیپلم افتخار و جایزه نقدی به بازیگر نمایش «دیواکولا»، فرشاد قاسمی، اهدا شد. همچنین در بخش نمایشنامه‌نویسی، رتبه سوم به لیلا بحری، نویسنده نمایش «پروانه باش»، اهدا شد و رتبه اول به عماد نصرآبادی، نویسنده نمایش «دیواکولا»، رسید. هیئت‌داوران لوح تقدیر رتبه دوم در بخش کارگردانی را به کارگردان نمایش «دیواکولا»، محمد جهانیا، اهدا کرد. هیئت‌داوران جایزه خود را در بخش آثار برگزیده شامل تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ نقدی به نمایش «دیواکولا» به کارگردانی محمد جهانیا از استان خراسان رضوی اهدا و این اثر را به‌عنوان نمایش برگزیده بخش صحنه‌ای به بنیاد بین‌المللی امام رضا<sup>ع</sup> معرفی کردند.

سیزدهمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان و نمایش عروسکی رضوی پس از پنج سال وقفه از ۶ تا ۹ اسفندماه ۱۴۰۱ در سه سالن تماشاخانه آفتاب، تالار شهید آوینی و فرهنگ‌سرای طوبی، پس از دو سال تعطیلی- برگزار شد.



۱۱

